

انجمن زرتشتیان تهران با این اساتید جامع و مفید با گرفت و از همه مهم در اندر شری جی به عنوان ناظر در تمام جلسات انجمن مذکور داشته که مبدا خارج از چهارچوب اساتید انجمن مذکور عملی انجام دهد.
سوی آقای میرزا شهریار خداداد و آقای شهریار بهرام بقیه آغصه با حضور «شت اندر شری جی صاحب» حاضر بودند (۱).
آنطور که به نظر می رسد این انجمن رسالت بزرگی را بر عهده داشته است که آن را از ضمیای آن درک کرد.
در اینجا یکی از ضمیای انجمن زرتشتیان تهران در آن زمان می آید:

«این جلسه انجمن برای رسیدگی به حساب و کتاب یکی از افراد جماعت که شاید در کار تجارت و روشنگری شده، تشکیل داده و اعضای انجمن را رسیدگی دقیق نسبت به پرداخت بدهی های وی با نهایت علمندستی پس از مذاکرات و تصمیماتی که در جلسه قبلی گرفته شده اقدام لازم به عمل آوردن تا اعتبار و حیثیت یک فرد و جماعت زرتشتی محفوظ بماند.
در نتیجه مقرر می گردود جمعه آینده تمام طلیکاران در اینجمن حضور به هم رسانند تا ترتیب طلب آنان داده شود.»

انجمنی که در این جماعت می انباشند و به آبروی شان فکرمی کند اینچنین عمل نمی کند.

آیا نامی توراتیم از اساتید انجمن زرتشتیان گردش اول تهران کپی بردار کنیم؟ انجمن را برای اعلام عموم جماعت زرتشتی نوشتم؟ راستی چرا چنین شد؟ چرا جماعت زرتشتی در یزد و کرمان مشکلات خود را با انجمن زرتشتیان تهران گزارش می کردند و انجمن تهران در پی رفع مشکلات می آید ولی اکنون هر انجمنی هر طور که صلاح می داند عمل می کند بدون اینکه از اعضا و یا انجمنی دیگر کمک بخواهد؟ کسی نمی خواهد باند انجمنی که همبستگی جماعت زرتشتی را حفظ می کرد چه شده که اکنون میان جماعت تفرقه می افتادند و به جای حل مشکلات آنها آن را رساند می زند و یا بدترین وضع و اطلاع سایرین می دادند؟ راستی انجمن های خود از انجمن زرتشتیان تهران است؟ یا از اعضاء انجمن های خود را خادم جماعت می دانند؟

ارباب یکبختو شاهرخ که در انجمن حضور دار در یزد با اساتید به تمام اتفاق خود را «اقل می ماند» یعنی کمترین یا امروز نیز؟

وضع انجمن ها چنین است؟ آیا خود را کمترین یا خادم این جماعت می دانند یا به نمونه دیگری توجه فرماید.

انجمن پنجاه و پنجم (نام)
اسامی - رشن ایزد پیمان ۱۲۷۸ یزدرگی
چون صلح المصدق با زرد یکبخت ۶ همه روزها نظر مدرسه باشت اندر شری جی صاحب و بعضی از اعضا و انجمن به مشورت اشراخ مدرسه سران و دختران بوده اند و انجمن به اتمام رسیده امران انجمن عام و جمعیت زرتشتیان حاضر بودند و بهر حسب شایستگی و زحمات مهلمین و اطفاقی که نسبت به مردم در خود از درج سر سلوک مدرس بیشتر و کمک فرباط بی بودند تا حضور مهلمین از سایر پارس سر به تمام افراد شان خویشی و فرور فقیر ... از درجه اول نفر دوم به نفاوت درجه و بقیه مستوجب جایزه و الامتات متفرقه شدند و به هم چنین از مدرسه دخترانه یک نفر از درجه اول دارای یک قطع نشان خویشی و فرور از درجه دوم و بقیه به حساب لیاقت دارای الامتات لایقه شدند و تمام مهلمین هم هر یک بی بودند تا حضور بوده و بعد از خوانده شدن خطابه از طرف طفلان و اظهار تشکر از طرف نظار مدرسه و صرف شیرینی جماعت با ابرام و دختران حاضر جمشید دهر عصر حاضر روز از اسامی و دختران و جماعت کس گرفته و بدین نحو انجمن ختم شد.

کتابنامه

کتاب «زرتشت» مری بويس در کم

در حالی که هنوز یک سال به ترمین آن وارد و دوم ترجمه کتاب زرتشتیان و پنج مری بويس، همی گذرد کتاب دیگر از این شرح مذاکرات انگلیسی، از نسوی مرکز مطالعات و تحقیقات با ادیان و مذاهب شرقی، از انستاتر. شان، این کتاب تا زرتشتی، از نسوی گروه پژوهش آثار اشران، توسط مصطفی فرهودی، پژوهشگر و مترجم انجمن زرتشتی ایران.
کتاب «زرتشت» نوشته مری بويس شامل آداب و رسوم و عقاید زرتشتی است.
در این کتاب به مباحث مهمی درباره سیر تاریخی پیدایش انجمن زرتشتی، عقاید بنیادین و همه آداب و رسوم پیرودان زرتشتی و نیز تحولات جدیدی که در آن رقم خورده است پرداخته شده. همین طور در کتاب «زرتشت» نوشته مری بويس به آواری تاریخی که برای پیرودان این بین به وجود آمده است اشاره شده و نهایتاً آداب و رسوم زرتشتیان و آداب و رسوم پارسیان هند، مقابله شده است.
مری بويس، اسطوره پژوهش و محقق آثار انگلیسی، قسمت مهمی از تحقیقات خود را به ایران و به خصوص زرتشتی اختصاص داده است. او متولد ۱۹۲۰ میلادی در هند است. بويس به مدت ۱۵ سال متولد و خزانه دار بخش بدست نوشته های ایرانی دانشگاه لندن، عضو شورای انجمن سلطنتی آسیایی و عضو شورای سردبیری مجله Asia major بود.
همچنین در سال ۱۹۷۵ عضو افتخاری انجمن خوشنویسان آمریکا شد.

از مری بويس تاکنون کتاب های جود «سرودهای پارسی نامی» در ۱۹۷۶، «دین پارسی کی زرتشتی» در ۱۹۷۷، «تاریخ کی زرتشتی در سه مجلد» در ۱۹۷۹، چاپ شده است که در حقیقت نخستین و بی گرانه ترین آثار مربوط به کیش زرتشت و ادبیات زرتشتی است.
«کتاب «زرتشت» مری بويس» «عسگر ماهی» و «سیله انتشارات فرهنگستان» به فارسی مترجم شده بود.

شاهه زرين

پوهنشي در جادو و جادو / جينز / جرج فريزر / کافله فروزنده / طرح حبلد / يون ماسيو / انتشارات گاه / چاپ ۱۳۰۱ / تيرياز ۳۰۰۰ / نسخه / ۸۶۱ صفحه / ۵۵۰ تومان
شاهه زرين یک پژوهش فرهنگی و تطبیقی وسیع در اسطوره و ادب است که می خواهد وجه مشترک تقریباً همه ادیان ابتدایی را با هم با ادیان مدرنی چون مسیحیت نشان دهد. بر این اساس است که همه ادیان در اصل اریان باور بوده اند. فیزر معتقد است اساساً ادوایج فرماتز یا به اهل صهاره تقریباً همه اساطیر عالم است. کتاب به دلیل نحوه نگارش نویسنده به ماجرای ضلوع بنیاد عیسی مسیح به اندازه ای جنجال برانگیز بود که در جهان های بدنی مجبور به حذف آن شده است. در نتیجه زرتشتی در این فصل حذف شده است.

باستان شناسان اسرار یک ناوگان باستانی ایرانی را کشف کرده اند که ۲۵۰۰ پیش از میلاد در خلیج یونان غرق شد.
به گزارش نیوزیلند هرالد کوبر، گروهی متشکل از باستان شناسان یونانی، کانادایی و آمریکایی دوین دومین کوارش خود را برای به دست آوردن اشیای موجود در ۳۰۰ کشتی ناوگان جنگی داریوش کبیر به اتمام رسانده اند.
برای جمله به یونان گسیل شده بود، که در رسیدن به خاک یونان بر اثر طوفان نابود شد. این کشتی ها در سال ۴۹۲ تا ۴۹۳ پیش از میلاد در اثر توفانی در شبه جزیره اتوس در شمال یونان غرق شده اند. به میلاز، در نوشه های هرودوت، مورخ سال ۴۹۲ پیش از میلاد، در نوشه های هرودوت، مورخ یونانی، اشاره شده است.
اولین نشانه های وجود این کشتی ها در عمق آب های خلیج، دو کلاهخود برنز قدیمی بود که در سال ۱۹۹۹ توسط ماهرگین منطقه کنفی شده اند. این کشتی ها در عمق ۱۵۰ ستر گذشته خود در ماه های اکتبر و ژوئن شواهدی یبانی بر جای گذاشته اند.
تاکون باستان شناسان با استفاده از یک روبروت کنترل از راه دور تا عمق ۶۰۰ متری پایین رفته و مساحتی معادل ۱۵۰ کیلومتر از سطح سیرا در بررسی کرده اند. از جمله یافته های آن ها می توان به چندین کوزه با دست سه اشاره کرد که برای حمل شراب از آنها استفاده می شده و یکبار برتریز یک بزای که در یکی از کوزه ها حفظ شده است.

راز ناوگان جنگی داریوش



یازیدیهای های دوفتره برای یک کربن آن به زیر آب
«اگر پیوسته به نظرم آن جالب و باارزش برسد، با می روم»

باستان شناسان اسرار یک ناوگان باستانی ایرانی را کشف کرده اند که ۲۵۰۰ پیش از میلاد در خلیج یونان غرق شد.
به گزارش نیوزیلند هرالد کوبر، گروهی متشکل از باستان شناسان یونانی، کانادایی و آمریکایی دوین دومین کوارش خود را برای به دست آوردن اشیای موجود در ۳۰۰ کشتی ناوگان جنگی داریوش کبیر به اتمام رسانده اند.
برای جمله به یونان گسیل شده بود، که در رسیدن به خاک یونان بر اثر طوفان نابود شد. این کشتی ها در سال ۴۹۲ تا ۴۹۳ پیش از میلاد در اثر توفانی در شبه جزیره اتوس در شمال یونان غرق شده اند. به میلاز، در نوشه های هرودوت، مورخ سال ۴۹۲ پیش از میلاد، در نوشه های هرودوت، مورخ یونانی، اشاره شده است.
اولین نشانه های وجود این کشتی ها در عمق آب های خلیج، دو کلاهخود برنز قدیمی بود که در سال ۱۹۹۹ توسط ماهرگین منطقه کنفی شده اند. این کشتی ها در عمق ۱۵۰ ستر گذشته خود در ماه های اکتبر و ژوئن شواهدی یبانی بر جای گذاشته اند.
تاکون باستان شناسان با استفاده از یک روبروت کنترل از راه دور تا عمق ۶۰۰ متری پایین رفته و مساحتی معادل ۱۵۰ کیلومتر از سطح سیرا در بررسی کرده اند. از جمله یافته های آن ها می توان به چندین کوزه با دست سه اشاره کرد که برای حمل شراب از آنها استفاده می شده و یکبار برتریز یک بزای که در یکی از کوزه ها حفظ شده است.

یازیدیهای های دوفتره برای یک کربن آن به زیر آب
«اگر پیوسته به نظرم آن جالب و باارزش برسد، با می روم»

تأثیر موقعیت جغرافیایی ایران در شکل گیری فرهنگ و تمدن

ادامه از شماره قبلی
درست است که در دوره های تاریخی غلبه

تدریجی آدیام بر عناصر ناسازگار طبیعت فرهنگی یافته و به مرور تا امروز نقطه ای از جهان نیست که از صرف دست و استیلا و اندیشه شیایان ها را بر خود ندیده باشد. دست که با آغاز قشعی که ممالک فرهنگ آفرین و تمدن زای خاورمیانه و به ویژه ایران در عرصه حیات سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جهانی داشته اند، به ندرت پشت است و از اهمیت برای آسانی آن کم نکرده است. سطحی ترین ملاحظات تاریخی نشان می دهد که همه مناطق مختلف فلات از نوع وحدت جغرافیایی خاص برخوردار است که هر زمان و به طور عده وحدت طبیعی و اقلیمی یکپارچه ای را نیز به همراه داشته است. سانکتان جدید ملک نیز چنان به روز زمان با امکانات و مقدرات و یا متأصب و مشکلات آن خو گرفته اند که در دوره های تاریخی وحدت فرهنگی و انسانی متناهی و مشخص می پیدا کرده اند. تلازم دایمی شش ها و واکنش های هماهنگی انسان ایرانی با طبیعت و اقلیم به توفیق های زیستی و مدنی گسترده و پدیدار و ژرفی انجامیده است که در مجموع، حیات تاریخی و تمدنی ساکنان این ديار را رقم می زند و به ارایه نشود و مسئولیت مهم و اگاهانه آنها در خلال هزاره ها تا امروز می رسد.

خصوصیات ژئوپولیتیک ایرانی توان حرکتی و فعالیت مخصوصی به ساکنان کشور داده است که تا ناگزیر بوده اند در همان ایام «پیدار» و «مستور» زندگی کنند. کلافرتی که بعد از انجم حکومت های قدیمی بین النهرین و آسیای صغیر از حدود قران های ششم و هفتم پیش از میلاد حاصل شده، موجب شد که عنصر با فرهنگ ایرانی بتواند جای تثبیت شده ای در عرصه وحدت علمی، معنی، اجتماعی، سیاسی و مادی تاریخی خود داشته باشد. نشو و رفته رفتار منطقه ای که در پیش از یک هزاره از آنها به طور وسیع، مقامی برجسته در تئین و تدبیر مقدرات منطقه به آن وارد الگودار. این نقش مهم تاریخی که با عنصر با فرهنگ ایرانی باستان ایرانی خاسته است، حتی در دوره های بعد از اسلام نیز که ایران تا نگی، دو قرن شخصیت سیاسی - اجتماعی معنوی نداشتند، برقرار بود. هنوز هم گرانیگاه اساسی ترقی خواهی و تعالی طلبی و پیشرفت تلقی می شد. شاید بعد از تشکیل سلسله صفوی و تندروی های شعار گونه آهسته آهسته که توسط توفان تک با انداز و نقش منطقه ای و حتی جهانی مهم و مؤثر ایران به تنهایی می محدود شد و همراه با تحولات طبیعی که در عرصه های مختلف اقتصادی، فرهنگی و علمی جهانیان حاصل گشت، چالش های مختلفی را به عرصه آورد و از بعد از بخش های شرقی و جنوب شرقی فلات، مناسبات مختلف ایران با دنیای بعد از آریایی جنبه های مترادفی خود حفظ کرده است. و جدای از برخی تهاجمات تاریخی گاه و بی گاه، که از سوی ایران زمینیان ایران بدله ها به شمع قاره هند انجام گرفته، ایران به طور اصولی به عنوان کانون مهم فرهنگ و مادی و معنوی و یکی از بنیادین پیشانیان باوریت کهن همگان محسوب گشته است. به طوری که در خلال ۲۰۰ سال اخیر هم، که غرب سلطه استعماری ظالمانه ای بر منطقه داشت، باز چشم امید ساکنان رازنده همیشه به سوی ایران می خورد. آثار و افکار آن را داشته که کمک شایسته ای از این برای برجات قطعی و حمایت معنوی حتی آنها آوریابد.

سخن دیگری که باید افزود مناسبات فرهنگی - مدنی ایرانیان ایران با منطقه ماوارالنهر است که برای همه هجوم مکرر عنصر و تمدن زایده ترک، مغول، تاتار، ترک چینی و امپراطوری های دیگر که در آنجا بوده و این امر کامیابش تا پایان سده نوزدهم میلادی، که از آغاز استیلای همه جانود روس ها بر آسیای میانه است. ادامه های ناشایس با دشمن، دایمی شده و جزو خصصات های قدیمی و ملی ایرانیان در ادبیت و موانع فرهنگی و جید ایرانی و نیز ادبیات کهنی این سیرزمین انباشته شده که در کتب تاریخی آن بر جای مانده است. دشمنان ایران بهر یگانه و تألیف همیشه مبارزه با آنها و از آری مسلم و موجب قلمداد می کند. شرایط جغرافیایی ایران زمینه ساز تمدن تاریخی و فرهنگی است و این خصیصه به

کشتی جنگی کلاسیک یونانی ها که پس از نبرد سالامیس در سال ۴۸۰ پیش از میلاد باعث تفرق آنها بر کشورهای دیگر شد، علاوه بر پادبان در هر طرف دارای سه دیاف روی بوده، ۳۷ متر طول داشته و کانه های ۱۰۰ متری برپا داشته شده بود. استحباب کشتی شرف پارو هر کشتی یونانی ۱۷۰ پاروژون داشته که باعث می شده است بتواند با سرعت ۱۰ گره دریایی خود یا با ناهای چوبی دشمن بکوبد.
کشتی داریوش کبیر تحت کنترل ایرانی ها بوده است اما ایرانی ها خود در دریاوردی سرشته ای نداشته و معمولاً کشتی های خود را از شهرهای یونانی تحت کنترل خود در ترکیه تهیه می کردند.
این گروه باستان شناسی در سال آینده به عمقی پایین تر خواهد رفت و در سال های آتی در جنوب این محوطه به جای این محوطه دیگر سر خواهد زد که آخرین آنها در جزیره سالامیس، محل شکست ناوگان ایران به رهبری کوروش، پسر داریوش، از یونان در سال ۴۸۰ پیش از میلاد، قرار دارد. مکمل کل می گوید: «این نقطه از دریا در چندین هزاره متوالی برای کشتی های بسیار خطرناک بوده و صدها کشتی در آن غرق شده اند.»
دکتر شلی کوسمن، مسئول این کار های، می گوید در این کشتی میراث خطرناک است. اما اگر بقایای کشتی های یونانی ها در این محوطه باستانی یافت شود، می توان گفت که این کارش ارزشش را داشته است.
در جریان غرق ناوگان دریایی داریوش، حدود ۲۰ هزار سرباز ایرانی جان باخته اند. داریوش امپراتور با تا با این حمله بزرگ، کل خاک یونان را تصرف کند.

تأثیر موقعیت جغرافیایی ایران در شکل گیری فرهنگ و تمدن

ادامه از شماره قبلی
درست است که در دوره های تاریخی غلبه

تدریجی آدیام بر عناصر ناسازگار طبیعت فرهنگی یافته و به مرور تا امروز نقطه ای از جهان نیست که از صرف دست و استیلا و اندیشه شیایان ها را بر خود ندیده باشد. دست که با آغاز قشعی که ممالک فرهنگ آفرین و تمدن زای خاورمیانه و به ویژه ایران در عرصه حیات سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جهانی داشته اند، به ندرت پشت است و از اهمیت برای آسانی آن کم نکرده است. سطحی ترین ملاحظات تاریخی نشان می دهد که همه مناطق مختلف فلات از نوع وحدت جغرافیایی خاص برخوردار است که هر زمان و به طور عده وحدت طبیعی و اقلیمی یکپارچه ای را نیز به همراه داشته است. سانکتان جدید ملک نیز چنان به روز زمان با امکانات و مقدرات و یا متأصب و مشکلات آن خو گرفته اند که در دوره های تاریخی وحدت فرهنگی و انسانی متناهی و مشخص می پیدا کرده اند. تلازم دایمی شش ها و واکنش های هماهنگی انسان ایرانی با طبیعت و اقلیم به توفیق های زیستی و مدنی گسترده و پدیدار و ژرفی انجامیده است که در مجموع، حیات تاریخی و تمدنی ساکنان این ديار را رقم می زند و به ارایه نشود و مسئولیت مهم و اگاهانه آنها در خلال هزاره ها تا امروز می رسد.

خصوصیات ژئوپولیتیک ایرانی توان حرکتی و فعالیت مخصوصی به ساکنان کشور داده است که تا ناگزیر بوده اند در همان ایام «پیدار» و «مستور» زندگی کنند. کلافرتی که بعد از انجم حکومت های قدیمی بین النهرین و آسیای صغیر از حدود قران های ششم و هفتم پیش از میلاد حاصل شده، موجب شد که عنصر با فرهنگ ایرانی بتواند جای تثبیت شده ای در عرصه وحدت علمی، معنی، اجتماعی، سیاسی و مادی تاریخی خود داشته باشد. نشو و رفته رفتار منطقه ای که در پیش از یک هزاره از آنها به طور وسیع، مقامی برجسته در تئین و تدبیر مقدرات منطقه به آن وارد الگودار. این نقش مهم تاریخی که با عنصر با فرهنگ ایرانی باستان ایرانی خاسته است، حتی در دوره های بعد از اسلام نیز که ایران تا نگی، دو قرن شخصیت سیاسی - اجتماعی معنوی نداشتند، برقرار بود. هنوز هم گرانیگاه اساسی ترقی خواهی و تعالی طلبی و پیشرفت تلقی می شد. شاید بعد از تشکیل سلسله صفوی و تندروی های شعار گونه آهسته آهسته که توسط توفان تک با انداز و نقش منطقه ای و حتی جهانی مهم و مؤثر ایران به تنهایی می محدود شد و همراه با تحولات طبیعی که در عرصه های مختلف اقتصادی، فرهنگی و علمی جهانیان حاصل گشت، چالش های مختلفی را به عرصه آورد و از بعد از بخش های شرقی و جنوب شرقی فلات، مناسبات مختلف ایران با دنیای بعد از آریایی جنبه های مترادفی خود حفظ کرده است. و جدای از برخی تهاجمات تاریخی گاه و بی گاه، که از سوی ایران زمینیان ایران بدله ها به شمع قاره هند انجام گرفته، ایران به طور اصولی به عنوان کانون مهم فرهنگ و مادی و معنوی و یکی از بنیادین پیشانیان باوریت کهن همگان محسوب گشته است. به طوری که در خلال ۲۰۰ سال اخیر هم، که غرب سلطه استعماری ظالمانه ای بر منطقه داشت، باز چشم امید ساکنان رازنده همیشه به سوی ایران می خورد. آثار و افکار آن را داشته که کمک شایسته ای از این برای برجات قطعی و حمایت معنوی حتی آنها آوریابد.

سخن دیگری که باید افزود مناسبات فرهنگی - مدنی ایرانیان ایران با منطقه ماوارالنهر است که برای همه هجوم مکرر عنصر و تمدن زایده ترک، مغول، تاتار، ترک چینی و امپراطوری های دیگر که در آنجا بوده و این امر کامیابش تا پایان سده نوزدهم میلادی، که از آغاز استیلای همه جانود روس ها بر آسیای میانه است. ادامه های ناشایس با دشمن، دایمی شده و جزو خصصات های قدیمی و ملی ایرانیان در ادبیت و موانع فرهنگی و جید ایرانی و نیز ادبیات کهنی این سیرزمین انباشته شده که در کتب تاریخی آن بر جای مانده است. دشمنان ایران بهر یگانه و تألیف همیشه مبارزه با آنها و از آری مسلم و موجب قلمداد می کند. شرایط جغرافیایی ایران زمینه ساز تمدن تاریخی و فرهنگی است و این خصیصه به



کشتی جنگی کلاسیک یونانی ها که پس از نبرد سالامیس در سال ۴۸۰ پیش از میلاد باعث تفرق آنها بر کشورهای دیگر شد، علاوه بر پادبان در هر طرف دارای سه دیاف روی بوده، ۳۷ متر طول داشته و کانه های ۱۰۰ متری برپا داشته شده بود. استحباب کشتی شرف پارو هر کشتی یونانی ۱۷۰ پاروژون داشته که باعث می شده است بتواند با سرعت ۱۰ گره دریایی خود یا با ناهای چوبی دشمن بکوبد.
کشتی داریوش کبیر تحت کنترل ایرانی ها بوده است اما ایرانی ها خود در دریاوردی سرشته ای نداشته و معمولاً کشتی های خود را از شهرهای یونانی تحت کنترل خود در ترکیه تهیه می کردند.
این گروه باستان شناسی در سال آینده به عمقی پایین تر خواهد رفت و در سال های آتی در جنوب این محوطه به جای این محوطه دیگر سر خواهد زد که آخرین آنها در جزیره سالامیس، محل شکست ناوگان ایران به رهبری کوروش، پسر داریوش، از یونان در سال ۴۸۰ پیش از میلاد، قرار دارد. مکمل کل می گوید: «این نقطه از دریا در چندین هزاره متوالی برای کشتی های بسیار خطرناک بوده و صدها کشتی در آن غرق شده اند.»
دکتر شلی کوسمن، مسئول این کار های، می گوید در این کشتی میراث خطرناک است. اما اگر بقایای کشتی های یونانی ها در این محوطه باستانی یافت شود، می توان گفت که این کارش ارزشش را داشته است.
در جریان غرق ناوگان دریایی داریوش، حدود ۲۰ هزار سرباز ایرانی جان باخته اند. داریوش امپراتور با تا با این حمله بزرگ، کل خاک یونان را تصرف کند.

تأثیر موقعیت جغرافیایی ایران در شکل گیری فرهنگ و تمدن

ادامه از شماره قبلی
درست است که در دوره های تاریخی غلبه

تدریجی آدیام بر عناصر ناسازگار طبیعت فرهنگی یافته و به مرور تا امروز نقطه ای از جهان نیست که از صرف دست و استیلا و اندیشه شیایان ها را بر خود ندیده باشد. دست که با آغاز قشعی که ممالک فرهنگ آفرین و تمدن زای خاورمیانه و به ویژه ایران در عرصه حیات سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جهانی داشته اند، به ندرت پشت است و از اهمیت برای آسانی آن کم نکرده است. سطحی ترین ملاحظات تاریخی نشان می دهد که همه مناطق مختلف فلات از نوع وحدت جغرافیایی خاص برخوردار است که هر زمان و به طور عده وحدت طبیعی و اقلیمی یکپارچه ای را نیز به همراه داشته است. سانکتان جدید ملک نیز چنان به روز زمان با امکانات و مقدرات و یا متأصب و مشکلات آن خو گرفته اند که در دوره های تاریخی وحدت فرهنگی و انسانی متناهی و مشخص می پیدا کرده اند. تلازم دایمی شش ها و واکنش های هماهنگی انسان ایرانی با طبیعت و اقلیم به توفیق های زیستی و مدنی گسترده و پدیدار و ژرفی انجامیده است که در مجموع، حیات تاریخی و تمدنی ساکنان این ديار را رقم می زند و به ارایه نشود و مسئولیت مهم و اگاهانه آنها در خلال هزاره ها تا امروز می رسد.

خصوصیات ژئوپولیتیک ایرانی توان حرکتی و فعالیت مخصوصی به ساکنان کشور داده است که تا ناگزیر بوده اند در همان ایام «پیدار» و «مستور» زندگی کنند. کلافرتی که بعد از انجم حکومت های قدیمی بین النهرین و آسیای صغیر از حدود قران های ششم و هفتم پیش از میلاد حاصل شده، موجب شد که عنصر با فرهنگ ایرانی بتواند جای تثبیت شده ای در عرصه وحدت علمی، معنی، اجتماعی، سیاسی و مادی تاریخی خود داشته باشد. نشو و رفته رفتار منطقه ای که در پیش از یک هزاره از آنها به طور وسیع، مقامی برجسته در تئین و تدبیر مقدرات منطقه به آن وارد الگودار. این نقش مهم تاریخی که با عنصر با فرهنگ ایرانی باستان ایرانی خاسته است، حتی در دوره های بعد از اسلام نیز که ایران تا نگی، دو قرن شخصیت سیاسی - اجتماعی معنوی نداشتند، برقرار بود. هنوز هم گرانیگاه اساسی ترقی خواهی و تعالی طلبی و پیشرفت تلقی می شد. شاید بعد از تشکیل سلسله صفوی و تندروی های شعار گونه آهسته آهسته که توسط توفان تک با انداز و نقش منطقه ای و حتی جهانی مهم و مؤثر ایران به تنهایی می محدود شد و همراه با تحولات طبیعی که در عرصه های مختلف اقتصادی، فرهنگی و علمی جهانیان حاصل گشت، چالش های مختلفی را به عرصه آورد و از بعد از بخش های شرقی و جنوب شرقی فلات، مناسبات مختلف ایران با دنیای بعد از آریایی جنبه های مترادفی خود حفظ کرده است. و جدای از برخی تهاجمات تاریخی گاه و بی گاه، که از سوی ایران زمینیان ایران بدله ها به شمع قاره هند انجام گرفته، ایران به طور اصولی به عنوان کانون مهم فرهنگ و مادی و معنوی و یکی از بنیادین پیشانیان باوریت کهن همگان محسوب گشته است. به طوری که در خلال ۲۰۰ سال اخیر هم، که غرب سلطه استعماری ظالمانه ای بر منطقه داشت، باز چشم امید ساکنان رازنده همیشه به سوی ایران می خورد. آثار و افکار آن را داشته که کمک شایسته ای از این برای برجات قطعی و حمایت معنوی حتی آنها آوریابد.

سخن دیگری که باید افزود مناسبات فرهنگی - مدنی ایرانیان ایران با منطقه ماوارالنهر است که برای همه هجوم مکرر عنصر و تمدن زایده ترک، مغول، تاتار، ترک چینی و امپراطوری های دیگر که در آنجا بوده و این امر کامیابش تا پایان سده نوزدهم میلادی، که از آغاز استیلای همه جانود روس ها بر آسیای میانه است. ادامه های ناشایس با دشمن، دایمی شده و جزو خصصات های قدیمی و ملی ایرانیان در ادبیت و موانع فرهنگی و جید ایرانی و نیز ادبیات کهنی این سیرزمین انباشته شده که در کتب تاریخی آن بر جای مانده است. دشمنان ایران بهر یگانه و تألیف همیشه مبارزه با آنها و از آری مسلم و موجب قلمداد می کند. شرایط جغرافیایی ایران زمینه ساز تمدن تاریخی و فرهنگی است و این خصیصه به

کیش قاسیان
ایران زمین
کسانی که با پیشانی فرشته توانگری برخوردار باشند اسبابی دارد و آن ها را اسکندر و نیز کشاکش گردونه های آسمان را به تکلیف خود آوردند و از نیز سر تیز و بلند چو شان همواران را از بی و پیش به ستود و از اوزند.
اسب این جانور بسیار سوسنده که از روزگاران بسیار کهن همرا و با فریندیر ایرانیان بوده، و همواره پیروزی و سرفرازی ایرانیان دلیر در یکپارها از پر تو هر همین چهار پای دلیر و سربلند است. همین نگارو گسنگ است که گردونه های فروشنده و تند و سوران جنت و چالاک را که به پهنه کلزار آورد و سیرزمین پنهانوار از آساکاهی که آسنوی سرفته را بر مضر را از آن همخامشیمان ساخت. و در تاریخ پنج هزاره ساله این مرمز بوم همواره ایرانیان را نژد همواران در میدان جنگ سربلند گردانید.

نامی که امروزه این جانور در فارس دارد، همان است که در چندین هزاره سال پیش نژد آریاییان داشته. و دروستا و فرس خامشیمان اسب و ماده آن اسبابا اسپ و در سانسکریت اسب خوانده می شود.
نام گروهی از ایرانیان نیز با اسب ترکیب یافته است مانند - گرشاسب - نهواسب - گرشاسب - گرشاسب - گرشاسب - گرشاسب - گرشاسب - گرشاسب و با سیاوش (دانه ناسب) در اسب نام شده است.
تاریخ و آثار کهن این جانور بدستباری ایرانیان به سرنزمینابیل و مضر رسیده. در میان آثار مورمان اسب دیده نمی شود و نامی هم در کتب های آنان نیست و گردونه های آنها با خر کتیده می شود. پس از رسیدن این جانور نور رسیده آنرا خر کوهی نامیدند و خود این نام گویاست که اسب از کوهستانی که امروزه شکوه و نامیم و زرد نیوانیان زاگرس خوانده شده به دستهای تاریخ امروزی رسید.

هرودوت مورخ یونانی می نویسد (ایرانیان به فرزندان خود از پنج تا بیست سالگی سه چیز می آموزند: اسب سوارانی، تیراندازی، راستگویی).
ایرانیان در تاریخ تا عادات ایرانیان می نویسد (ایرانیان جوان از پنج تا بیست سالگی کمان کشیدن، زین انداختن و اسب سوارانی و راست گویی می آموزند).
یگفته هرودوت و استرابون در روزگار هخامنشیان اسب از کودکی بار برنیزه بار ایرانی بود داریوش شاه گوید:
این کشور پارس که امروزه از ازان تا دشت زیاباست و دارای اسبان خوب و مردم خوب است باخواست اسب و اسب را من این کشور از دشمن نمی راسد.
ابرای اینکه بدانیم گردونه های اسب که تا چه اندازه در زمان دین ایرانیان چه باید نگاه می داشتند آنچه که در نامه دین ایرانیان که کهن ترین اثر نیکابانی است، ماست، مضمونی می رساند که ایرانیان از میرز با با و کردونه و اسب خود سواد و به تیرزی بازوان و بنیای اسب (یاد می کند).

باید که در و اوستا است برین عمل مرزا آفریده مقس فر را داند و توانی در گوشها و قوی در بازوان و صحت در سراسر تن دوام در سراسر تن پیشیند و التجناق قوی بهینه که در دستهاست که در شب تیره اگر چه باران باران و برف بریزد و زنگر بفتد (بصافه تمام شکست) که می موی اسب که از نام روی یقین فرود می دهده تواند شدند تا اینکه از بال با دم (اسب) است).
اشعار فولکلور در تعریف رخس آب رستم نیز شبیه به فقره ۱۰ مین پشت است.
سه چشم و بون برش و گام دو شب خایه و تود و بلاوسم تنش پر گلزار که تا ناکار فود داغ سرخ زرفران چه پر آب بودی چه بر خشک راه پرواز خود افزون بد و شب زراه می بود چه بر پلاس سیاه شب تیره دینی دو فرسگ راه به تیروبی بی و بالاچون بزره جو شیر و کدو بسترون در مهر پیش نیز، خودهم می بار گردونه چهار اسب نشسته از خاور به باختر تپناهند، در گردونه ای که ابراهای جنگی انباشه شده تا دیوان و دروغ گویمان و پیمان شکنان را به سزارساند.

اسب در نوشته های پهلوی و پارسی و پارتی و ساسانی از میان توفان پهلوی در مینوی در فصل ۶۱ پارح ۲۴ آمده: اسب مفید در (سالان) اسبان است. در بندهش آمده: که از مردان یا سالاران با چه چیز رونق یافته در ۲۴ گوید نخست اسب سفید زدر گوش و درخشان سفید می باشد. اسب خوب ساخته شده آسایان اسبان. در نوروز نامه خیمه دریا به اسب آمده چنین گویند که از صفت چهار پانچ بجه صورت نکوتر از اسب نیست، اسب وی ساده جویباران چرند است. گویند آن فرهنگ که گردونه آتشد بصورت اسببست اسبی (سفید) است. چندی چند پیش دیگر گوید از آل المرس آن اسببست که گردونه آسبند و بسختی و موم...

روشکایا زندگی ویس و رامین

کشف شد
روستای «رامه»، «رامه»، «رامین» مربوط به دوره پیش از ساسانی است. این روستا به احتمال بسیار زیاد محل زندگی عشاق معروف ادبیات ایران، ویس و رامین است. عزت العلی سیابانی، پژوهشگر و مستور (تألیف مستودان مرغان مرامی فرهنگستان) گفت: با مطالعه و تحقیق بر منطقه مرغان مرامی، «رامین» در آلبات این فرهنگ نیست که در روستا، محل زندگی و مباحثه عشاق بزرگ ایرانی فارسی «ویس و رامین» است. «رامه یا رامان» در ۳۰ کیلومتری شمال غربی منطقه واقع است. طبق نظر این پژوهشگر، این شهر میسر استقرار قوم کاران یا «قاران» بوده است که یکی از هفت خانواده معروف بزرگ ایران باستان بوده است. سیابانی گفت: «کلیه برای ارتباط بین فرود پرواز شده است. اول، اسم باستانی این شهر «رامین» است. دوم، نام این شهر «رامین» است که در میان دیگر شهرهای نامی در این شهر محل زندگی ویس و رامین بوده است و هنوز میمان این منطقه را این عقیده باستانی می کنند. سوم، طبق مستندات تاریخی، این شهر، پیش از ساسانی توندیک و زعفران در یود دینا و در داسمان ویس و رامین نیز دقیقاً به این نکته اشاره شده است.

اسب در نوشته های پهلوی و پارسی و پارتی و ساسانی از میان توفان پهلوی در مینوی در فصل ۶۱ پارح ۲۴ آمده: اسب مفید در (سالان) اسبان است. در بندهش آمده: که از مردان یا سالاران با چه چیز رونق یافته در ۲۴ گوید نخست اسب سفید زدر گوش و درخشان سفید می باشد. اسب خوب ساخته شده آسایان اسبان. در نوروز نامه خیمه دریا به اسب آمده چنین گویند که از صفت چهار پانچ بجه صورت نکوتر از اسب نیست، اسب وی ساده جویباران چرند است. گویند آن فرهنگ که گردونه آتشد بصورت اسببست اسبی (سفید) است. چندی چند پیش دیگر گوید از آل المرس آن اسببست که گردونه آسبند و بسختی و موم...



دبیر سوسیال: فرهاد باستانی اله آبادی، مهرداد پاسایی، فرزانه مهری

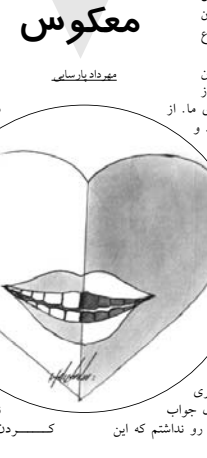
افسانه‌های شخصی (۱)

شما دوست موقتی هستید... ابتکار تصمیم گرفتید باشما کسی که در روزهای آن صحبت کنیم...

در تمامی اساتید آبرویی در اطراف بدشان وجود دارد که به آن حاله می گویند که تنها مختص به انسانها نیست...

آره داستان ما هم اینجوریه فکر کنم به کسی از زمان عظیم یا ما مشین ما قدیمی شده و بگید...

پیشرفت از نوع معکوس



عیدفدایسایه

موضوع باعث شد تا دوستان به نظر دوست یگن چقدر خودت رو می گیری...

فال می فروشم!

بخیر، تر خدا! اتوبیل مدل بالا پشت چراغ قرمز ایستاده سرعت جلو رفت...

یک زن انگلیسی که در دوره نوجوانی کتابت شده بود... پیوند ریشه دندان به چشم یک زن انگلیسی بیابانی را به یازده زندان

دنیای پردلهره کنکور... تعلق تا شاید با تو کار داشته باشن... اما تو این یکسال هیچ کس با تو کاری نداره...

نظر شما نسبت به صفحه جوان چیست و دوست دارید چه مطالبی در این صفحه بخوانید؟

سال - ۲۴... نظر من چون طالع بینی در جمله های دیگر به چاپ می رسد مطلبی تکراری نمی شود...

شهر من، من به تو می اندیشم

در فرهنگ لغت معین اگر گذری به سوسوم آن و به قسمت حرف گ، بیابانزاید، بعد از ورق چند زندان صفحه ای می رسد به کلمه ای مثل گدا، گدایشایی، گدایی...

شهر من، من به تو می اندیشم... در فرهنگ لغت معین اگر گذری به سوسوم آن و به قسمت حرف گ، بیابانزاید، بعد از ورق چند زندان صفحه ای می رسد به کلمه ای مثل گدا، گدایشایی، گدایی...



اما کسی هم در مورد انسانهای پلید و بد ذات بدانید... کسانیکه با دیگران دشمنی می کنند، به نهایت ایشان جمع شده و چاکراهی آنها نقل کرده اند...

